



دولت چهاردهم قفل اینترنت را باز کرد

دولت چهاردهم در عمر ۲ ساله خود تلاش هایی جدی برای هموار کردن مسیر کاهش محدودیت های اینترنتی داشته است؛ سیاستی که از وعده های مهم دولت در حوزه ارتباطات و احقاق حق کاربران به شمار می رود. با این حال، اجرای این رویکرد، همواره با مخالفت جریان های مدافع محدودیت اینترنت و نگرانی هایی درباره مسائل امنیتی و مدیریت فضای مجازی روبرو بوده است. در چنین شرایطی، دولت تلاش کرده با ارائه

راهکارهایی در جهت مدیریت نگرانی های امنیتی، زمینه کاهش محدودیت ها را فراهم کند. روزنامه ایران از روز گذشته به استقبال هفته دولت رفته و قرار است تا ۸ شهریور هر روز در صفحاتی ویژه به یکی از پرونده های مهم مرتبط با دولت بپردازد. دومین پرونده، روایتگر تلاش دولت چهاردهم برای کاهش محدودیت های اینترنتی است و سعی کرده وقایع مربوط به بازگشایی اینترنت پس از جنگ ۴۰ روزه را به تصویر بکشد.

روایت

میترا جلیلی

دبیر گروه علم و فناوری

برای نسلی که بخش قابل توجهی از آموزش و ارتباطات حرفه ای خود را در فضای آنلاین انجام می داد، این وضعیت شبیه بازگشت ناگهانی به دوره ای بود که اینترنت هنوز بخشی از زندگی روزمره نشده بود. اینجا بود که دیگر صبر رئیس جمهوری به عنوان رئیس دولت لبریز شد و یک تصمیم بزرگ و البته ملی گرفت.

ماجرای یک ستاد ویژه

اما چه شد که رئیس جمهوری تصمیم گرفت یک ستاد با چارچوبی مشخص تشکیل دهد که خروجی آن، حل مشکلات و دغدغه های مردم باشد؟ هرچند محدودیت های اینترنتی به دلیل ملاحظات امنیتی و شرایط جنگی اعمال شد اما پیامدهای آن بسیار فراتر از یک تصمیم فنی یا امنیتی بود. در اولین روزهای جنگ، اولویت، حفاظت از زیرساخت های حساس و مقابله با تهدیدهای امنیتی بود و اینترنت نیز در همین چارچوب قرار گرفت. در شرایط جنگی استدلال شد که اینترنت می تواند شبکه ارتباطی کشور را در معرض حمله، نفوذ و سوءاستفاده قرار دهد. اما واقعیت این است که در چنین شرایطی، اقتصاد دیجیتال، کسب و کارهای آنلاین، آموزش، ارتباطات خانوادگی و جریان دسترسی به اطلاعات نیز تحت تأثیر قرار گرفتند چراکه اینترنت حالا دیگر یک «خدمت عمومی» معمولی نیست و به بخشی از زیرساخت حیاتی جامعه تبدیل شده است و اتصال بسیاری از کاربران به اینترنت به مثابه زندگی دوباره برای آنها بود.

در هفته های اول خاموشی اینترنت و پس از آتش بس، پرسش اصلی این بود که اینترنت چه زمانی بازمی گردد. با طولانی شدن خاموشی، سؤال تغییر کرد و مردم می پرسیدند آیا بازگشت اینترنت اصلاً در اولویت تصمیم گیران قرار دارد؟ این پرسش از آن جهت اهمیت داشت که قطع اینترنت، برخلاف بسیاری از محدودیت های جنگی، تقریباً همه گروه های جامعه را تحت تأثیر قرار می داد. حتی کسانی که درگیر فعالیت اقتصادی یا سیاسی نبودند هم حداقل برای ارتباط با خانواده و دسترسی به اطلاعات به اینترنت نیاز داشتند.

اینجا بود که موضوع «بازگشایی اینترنت» به یکی از مسائل مهم مدیریت پسا جنگ تبدیل شد. رئیس جمهوری برای مدیریت این وضعیت، «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی» را به ریاست محمد رضا عارف تشکیل داد تا این ساز و کار بتواند با بررسی وضعیت فضای مجازی، درباره نحوه مدیریت آن در شرایط ویژه تصمیم گیری کند.

در حالی که پیش از جنگ، محدودیت اینترنت عمدتاً در قالب سیاست های تنظیم گری، فیلترینگ و تصمیم هایی درباره پلتفرم ها و خدمات آنلاین دیده می شد، اما در شرایط جنگی، مسأله به یک موضوع امنیت ملی تبدیل شده بود که در عین حال امکان تفکیک مردم از آن وجود نداشت و همین موضوع آن را به یک مسأله عمومی نیز تبدیل کرده بود.

برش

دولت موافق اینترنت طبقاتی نیست

شود، چه تضمینی وجود دارد که این دسترسی به یک امتیاز دائمی تبدیل نشود؟ ممکن است یک پژوهشگر نیاز بیشتری داشته باشد و یک شرکت خدمات تخصصی تری بخواهد. این تفاوت را می توان پذیرفت و برای آن راهکار طراحی کرد. اما در کنار آن، باید یک سطح پایه و قابل اتکا از دسترسی عمومی وجود داشته باشد؛ سطحی که وابسته به شغل، جایگاه، درآمد یا نزدیکی افراد به ساختار قدرت نباشد. در غیر این صورت، اینترنت آرام آرام از یک زیرساخت عمومی به یک امتیاز تبدیل می شود. وقتی هم اینترنت تبدیل به شکاف اجتماعی تبدیل شود. همین نگاه باعث شده است شخص رئیس جمهوری وزیر ارتباطات، تمام قد در مقابل هرگونه اینترنت طبقاتی بایستد. به اعتقاد آنان، همه شهروندان باید از یک حق پایه و عادلانه برای ارتباط با جهان برخوردار باشند و هرگز نمی توان از مدلی سخن گفت که یک عده را مجاز به اتصال به اینترنت می داند و در مقابل، تشخیص می دهد که عده ای دیگر در هر شرایطی نیازی به اتصال به اکوسیستم جهانی ندارند.

آنچه می توان بار دیگر یادآوری کرد این است که جنگ رمضان و خاموشی طولانی اینترنت یک واقعیت را بیش از همیشه آشکار کرده و آن هم این است که اینترنت دیگر یک کالای تجملی نیست و می توان گفت همه مردم با هر سطح دانش و هر شغلی به آن نیازی مبرم دارند که نمی توان نسبت به آن بی اعتنا بود و دولت چهاردهم با علم به این موضوع، در بزنگاه های مختلف نشان داده که هرگز از این حق مردم کوتاه نمی آید و اجازه نمی دهد بخشی از مردم از حق خود محروم شوند.

البته این همه ماجرا نیست؛ موضوعی که شاید بیش از همه کاربران را در زمان محدودیت های اینترنتی به خشم آورد، دفاع عده ای از اینترنت طبقاتی بود. نگاهی که در دوران محدودیت های اینترنتی، عده ای آن را با عنوان اینترنت پرو، اینترنت اضطراری و.. مطرح کردند و البته همیشه موضع دولت و وزارتخانه، مخالفت با چنین ایده هایی بود. وزیر ارتباطات و معاونان وی و همچنین شخص رئیس جمهوری بارها بر این موضوع تأکید کرده اند که با هرگونه اینترنت طبقاتی مخالفند و همه تلاش آنها برای تحقق عدالت ارتباطی است.

یکی از مهم ترین استدلال های موافقان محدودیت یا تفکیک دسترسی، مسأله امنیت است. به اعتقاد آنان، در شرایط عادی شاید دسترسی آزاد به تمام سرویس های اینترنتی مسأله چندانی به نظر نرسد، اما در شرایط خاص، جنگ یا تهدیدهای امنیتی، وضعیت متفاوت می شود. این عده، البته دغدغه اقتصاد دیجیتال را نیز دارند و می گویند یک شرکت صادراتی، استارت آپ، دانشگاه یا یک مجموعه فناوری ممکن است برای فعالیت خود به اینترنت بین الملل وابستگی بیشتری از مردم عادی داشته باشد. بنابراین در شرایط جنگ باید به این قشر نگاهی ویژه شود و اینترنت مورد نیاز، به آنها اختصاص یابد.

اما موضوعی که هم کاربران و هم وزارت ارتباطات بارها بر آن تأکید کرده اند، این است که چه کسی باید تشخیص دهد نیاز هر فرد چیست؟ اگر معیارها روشن نباشد، اینترنت طبقاتی می تواند از یک سیاست تخصصی به یک نظام امتیازدهی تبدیل شود.

منتقدان اینترنت طبقاتی همچنین می گویند اگر دسترسی ویژه به اینترنت برای گروه هایی خاص ایجاد

برای میلیون ها نفر، اتصال دوباره به اینترنت جهانی تنها به معنای ورود به سایت های بین المللی نبود بلکه معنای بازگشت به بخشی از زندگی روزمره را داشت

